



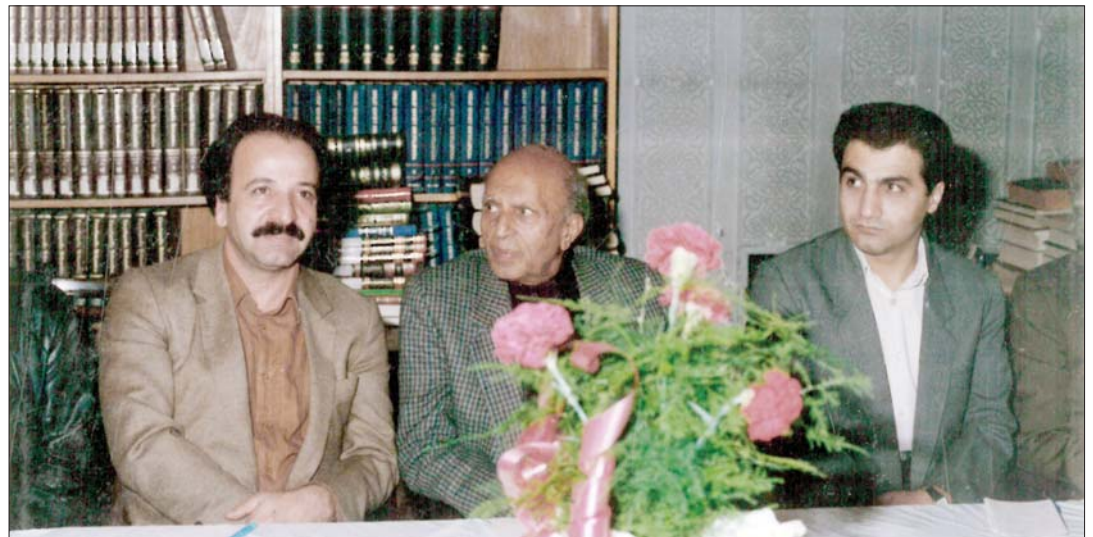
دراهمیت «جغرافیای جامع ایران» در مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

برای شناختِ سرزمین



عباس سعیدی

مدیر بخش جغرافیای ایران، طرح جغرافیای جامع ایران و عضو شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی



احمد پاکتچی، محمدحسن گنجی و عباس سعیدی/ جلسه شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۲ دی ۱۳۷۵

وقتی قرار شد «تاریخ جامع ایران» در مرکز فراهم آید، ظاهراً به تبعیت از «تاریخ ایران کمبریج» از من خواسته شد، خصوصیات جغرافیایی سرزمین را در حد و اندازه یک جلد برعهده گیرم. البته هرچند با وجود برخی انتقادات، به علمیت مجموعه تاریخ کمبریج باور داشتم، اما از آنجا که معتقد بودم، سیر حوادث تاریخی یک سرزمین تنها در بستر و فهم مکانی آن قابل درک است و نه صرفاً در ذکر حوادث و رویدادها، در نامه‌ای به ریاست مرکز نوشتم که اگر بنا داریم تاریخ جامع ایران را به طور مستقل بنویسیم، شایسته است جغرافیای جامع کشور نیز جداگانه تألیف شود، باشد که این دو مجموعه مکمل یکدیگر باشند. ایشان این پیشنهاد را پذیرفتند و خواستند طرح آن تهیه شود. این بود که بعد از ارائه طرح اولیه، کار تألیف قسمت‌های مختلف به طور مستقل، اما هم‌زمان با تألیف تاریخ جامع آغاز شد. جالب است که تا آن زمان، کسی به فکر تدوین جغرافیای جامع ایران نیفتاده بود. به عبارت دیگر، پس از کتاب ارزشمند «جغرافیای مفصل ایران» در سه جلد، تألیف مسعود کیهان که در دهه ۱۳۱۰ خورشیدی به چاپ رسیده بود، کتابی جدی، علمی و مستقل در این باره نوشته نشده بود.

مجموعه جغرافیای جامع ایران که در نوزدهم مهر ۱۳۹۹ رونمایی شد، شامل پنج مجلد است که طی آن، مطالب مختلف طوری طراحی و ارائه شده، که مطالعه هر مجلد از آن، چه به تنهایی و چه در ارتباط با مجلدات دیگر، به آسانی معنادار و قابل استفاده باشد؛ یعنی هر مجلد ضمن ارتباط با مجلدات دیگر، از استقلال موضوعی برخوردار باشد. مطالب جغرافیای جامع، برخلاف محتوای منابع تاریخی که طی زمان تغییر چندانی نمی‌کند، مگر مدارک تازه‌ای به دست آید، به نوعی پویا و بعضاً در حال دگرگونی دائمی است؛ مثلاً مباحث مربوط به جمعیت واحدهای جغرافیایی و یا خصوصیات آب و خاک و یا حتی اقلیم... بنابراین، لازم است در هر دوره از چاپ این مجموعه، مطالبی حذف، اضافه و یا اصلاح شود. در حال حاضر، بخش جغرافیای ایران، ضمن امور دیگر، سرگرم تدارک چاپ دوم این مجموعه است که همان‌طور که گفته شد، با مطالب تازه و اصلاحات ضروری همراه خواهد بود.

آن چه از «سیدفتح الله مجتبائی» در مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی آموختم

وسواس علمی



فاطمه لاجوردی

مدیر بخش ادیان و عرفان و عضو دبیر شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

مقاله «تثلیث» به دلیل موضوع دشوار و منابع گسترده‌ای که باید دیده و مطالعه می‌شد، یکی از دشوارترین مقالاتی بود که در این سال‌ها نوشتم و بی‌اغراق بیش از یک سال و به طور پیوسته روی آن کار کردم. موضوع این مقاله بسیار پیچیده و دارای ابعاد مختلف است و برای ما به عنوان یک مسلمان، کار دشوارتر هم می‌شود، زیرا نخست باید یاد بگیریم که از زاویه نگاه مسیحیان به آن نگاه کنیم. دیگر آن که در این زمینه اصطلاحات پرشماری وجود دارد که معادل فارسی ندارند و باید با توجه به ریشه یونانی آنها برایشان معادل فارسی وضع کرد و این‌ها همه روند نگارش این مقاله را دشوارتر می‌کرد. اما یکی از چیزهایی که از دکتر سیدفتح‌الله مجتبائی در یاد گرفتم و تا پایان عمر مدیون ایشان هستم، این است که هرگز نباید به انجام پژوهشی سطحی قانع شد و تا جایی که توان علمی اجازه می‌دهد، باید درباره موضوع گسترده و عمیق کار کرد. توصیه دیگر ایشان این بود که هرگز نباید در چاپ کردن چیزی شتاب کرد. بنابراین، ایشان از آغاز دانشجویی نوعی وسواس علمی را به ما آموخت، یعنی باید در پژوهش درباره یک موضوع به جایی برسیم که از نظر قانع‌کننده و رضایت‌بخش باشد. بنابراین آن یک سال ارزشش را داشت، چون چیزهای بسیاری یاد گرفتم که فراتر از نگارش یک مقاله بود.

درباره بایستگی توجه به دو عنصر «ایران» و «اسلام» در مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

برای وحدت ملی



کیانوش کیانی هفت‌لنگ

مشاور امور بین‌المللی و عضو شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی به دلیل پروژه‌هایی که در دست تدوین، تألیف و انتشار دارد و همه رنگ‌وبوی ایرانی دارند، توانسته در راستای هم‌گرایی و وحدت ملی کام بردارد و اساساً یکی از تفاوت‌ها و تمایزهای ما با دانشنامه‌هایی که در غرب نوشته شده این است که ما دو عنصر برجسته در کلیه فعالیت‌های مرکز داریم؛ یکی توجه بیشتر به مذهب شیعه و دیگری توجه به ایران. این دو عنصر بدیهی و طبیعی است که باید در مرکز بیش‌تر مورد توجه قرار بگیرد و گرفته است. نکته‌ای که خیلی مهم است و به وحدت ملی کمک می‌کند توزیع عادلانه دانش در سراسر کشور است. یعنی دائرة المعارف بزرگ اسلامی یا تاریخ و جغرافیای جامع ایران همه در جهت همان همبستگی، وحدت ملی و عدالت اطلاعاتی در سراسر کشور است. از بلوچستان و خوزستان تا خراسان و آذربایجان و همه جای ایران و جهان توزیع می‌شوند و در دست همه قرار می‌گیرند و مهم‌تر این‌ها که با توجه به ترجمه عربی و انگلیسی آن، چکیده و مختصر «دبا» به این زبان‌ها نیز چاپ و توزیع می‌شود که علاوه بر توزیع عادلانه اطلاعات در همه ایران، شاهد انتشار دانش و آگاهی در سراسر منطقه و جهان هستیم. من از ژاپن تا کانادا شاهد کتاب‌خانه‌هایی بودم که انتشارات مرکز را در خود جای داده‌اند.